



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۱/۱۹



بصیر صباح

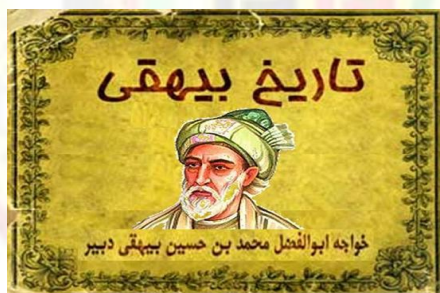
چهره های تاریخی

تحقیق و نگارش بصیر صباح

بخش دهم
(۲)

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی

تاریخ بیهقی، آینه روزگار



بیهقی گاه از مردان امین، معتمد و خردمندی که او را در فراهم آوردن اخبار درست و اسناد تاریخی در ایام انزوا یاری کرده اند، به نیکی یاد می کند: «از عبدالملک مستوفی شنیدم همه در سنه خمسين و اربعمائه و این آزادمرد مردی دبیرست و مقبول القول...» وی در سنجش کردار نیک و بد و رفتار شایست و ناشایست کارگزاران دولت غزنوی تا پادشاه پروا ندارد. درباره خوارزمشاه ابوالعباس آورده است: «او مردی بود فاضل و شهم و کاری و در کارها مثبت و چنان که وی را اخلاق ستوده بود، ناستوده نیز بود و این از آن می گویم تا مقرر گردد که میل محابا نمی کنم...».

مؤلف از کسی چون استادش بونصر مشکان نیز با همه ارادتی که به او دارد و در ضمن بر شمردن منش های نیکش به لجاجت او نیز اشاره می کند: «بونصر مردی محتشم بود و حدود را نگاه داشتی و با مردم بر سبیل تواضع نمودن و خدمت کرد سخت نیکو رفتی... و با آن که حدود نگاه داشتی، لجوجی بود از اندازه گذشته...». یکی از عوامل و انگیزه هایی که باعث تالیف تاریخ بیهقی شده، حجم انبوه اسناد و مدارکی بود که عده ای از تنگ نظران کوتاه بین از یادداشت های او به عمد نابود کردند: «اگر کاغذ ها و نسخه های من به قصد، ناچیز نکرده بودند، این تاریخ از

لون دیگر آمدی....» «بسیار بار دریغا که آن روضه های رضوانی بر جای نیست...». طبیعتاً اگر مؤلف می دانست که بعد ها بخش هایی از اثر از بین می رود. «بسیار دریغا» ای حزین تری می گفت.

تاریخ بیهقی را می توان آینه روزگار غزنویان در روزگار آنان دانست. این تاریخ یک اثر عمومی است. بیهقی مانند دیگر آثار تاریخ نگاری شده توسط مسلمانان، مطالبش را از آفرینش انسان و تاریخ آن آغاز کرده و ادامه داده است. نسخه کامل این تاریخ در اصل سی مجلد بوده که امروز فقط شش جلد آن بر جای مانده است. مطالب باقی مانده بیشتر در بردارنده حوادث روزگار غزنویان خاصتاً دوره سلطان مسعود است و درست به همین علت است که تاریخ بیهقی را "تاریخ مسعودی" هم می نامند. این مجموعه غنی در برگیرنده رخدادهای پادشاهی مسعود، فرزند سلطان محمود است که پس از پدر، بر اورنگ پادشاهی غزنین نشست. این اثر برخی فصل ها و دوره های تاریخی در نهایت دقت و فتانت توضیح می دهد، از جمله: جنگ سلطان مسعود با ترکمانان و شکست وی در جنگ دندانقان، بر تخت نشستن طغرل، تعریف ولایت خوارزم و بیان تاریخ آن از انقراض آل مامون تا افتادن به دست سلطان محمود و حکمرانی آلتونتاش حاجب در آل سامان تا چیرگی سلجوقیان بر این خطه.

افزون بر آنچه آمد، این نویسنده و منشی چیره دست اطلاعات سودمندی هم از سلسله های صفاریان، طاهریان و سامانیان به خواننده ارائه می کند. همچنین نام گروهی از شاعران و نزدیک به ۴۵۰ بیت از سروده های آنها در این اثر بیهقی آمده است.

تاریخ بیهقی از نظر علم جغرافیه

تاریخ بیهقی از نظر علم جغرافیه نیز منبعی ارزشمند است، این کتاب نمودار جامع و کم نظیری از اوضاع و احوال غزنویان هم محسوب می شود. کمتر پدیده ای از زندگی مردم آن دوره می توان یافت که از دید تیزبین مؤلف این کتاب پنهان مانده باشد، در اینجا به برخی از این موارد اشاره می شود: رسم انداختن ملطفه و نامه، رسم خلعت دادن و خلعت پوشیدن، قرآن خواندن در مراسم استقبال، خوازه زدن در مراسم پیشباز، توقیع پادشاهان، برنامه منجنيق بر کار کردن، بخشش به شاعران، مظالم کردن امیر، رسم سوگند و امضاء کردن سوگندنامه، مراسم جشن مهرگان، آیین جشن سده، مراسم عید فطر، نکوداشت عید نوروز.

تاریخ بیهقی چند جلد بود؟؟؟

از چهار جلد اول تاریخ بیهقی که مسلماً در باره روزگار باستان و دوران پیش از غزنویان بوده تنها مطالب اندکی در "زبدة التواریخ" حافظ ابرو بر جای مانده است. هرچه از این کتاب بر جای مانده به کوشش دکتر "خلیل خطیب رهبر" در سه مجلد به چاپ رسیده است. این اثر با بخش های به جا مانده از مجلد پنجم آغاز می شود، در این مجلد: نامه حشم تگیناباد به امیر مسعود، فرمان امیر مسعود به علی رقیب، نامه حره ختلی به امیر مسعود، مذاکره صلح با اعیان ری، حرکت مسعود از ری، رسیدن رکاب دار به امیر مسعود، داستان فضل با عبدالله طاهر، نامه مسعود به غازی و... ثبت و ضبط گشته است.

مجلد ششم با تاریخ "امیر شهاب الدوله مسعود بن محمود" و خطبه مقایسه پیامبران و پادشاهان آغاز می شود و سرفصل های زیر در آن به چشم می خورد: قوت های سه گانه نفس، در شناختن نیک و بد، دنباله سخن جالینوس، عذر بیهقی در نوشتن تاریخ، احوال امیر مسعود در زمین داور، قصه بوسعید و بخشش به شعراء، وضع مسعود با

پدر در سفر ری، روابط مسعود با منوچهر قابوس، حکایت افشین، داستان مامون و امام رضا (ع)، وضع دیوان رسالت در بلخ، سخن امیر با عبدالله و حاتمی...

مجلد هفتم تاریخ بیهقی نیز مانند دیگر مجلد های آن در بردارنده تاریخ، پندها و داستان های زیبا و شیوایی است که در ذیل عناوین زیر نگاشته شده اند: خروج امیر مسعود، فرو گرفتن امیر یوسف، ورود امیر به غزنین و استقبال مردم، مطالبه صلات بیعتی، ذکر سیل، خلعت پوشی احمد ینالتگین، قصیده ابو حنیفه، درگذشت خلیفه القاد بالله، ترتیب هدیه برای خلیفه، مذاکره امیر با خواجه در باب خوارزمشاه، نامه مسعود به التون تاش، داستان زندانی شدن بزرجمهر، فتح بخارا، اقدام احمد عبدالصمد برای صلح، تعیین هارون به خوارزمشاهی، بیماری خواجه احمد حسن، رای زدن امیر در باب انتخاب وزیر.

مجلد هشتم در بردارنده بخش های دیگری از تاریخ غزنویان و درگیری این طایفه با سلجوقیان است. این فصل مطالب متنوعی را در بر دارد: انتخاب بوسهل حمدوی به کدخدایی ری، سخن بوسهل حمدوی در باب ری، تصمیم مسعود به گرفتن ترکمانان، کارهای سورش صاحب دیوان خراسان، دنباله حکایت فضل برمکی و یحیی علوی، تفصیل هدیه علی عیسی به هارون، سخن یحیی برمکی به هارون در باب خراسان، جنگ طوسیان با نیشابوریان، ورود امیر مسعود به سرخس، ورود امیر مسعود به آمل، حکایت امیر لیث در مرگ فرزندان، نامه ترکمانان در باب صلح، آوردن رسولان سلجوقیان به لشکرگاه، مصالحه با پسر تاکو.

در مجلد نهم تاریخ بیهقی شرح بخش های دیگری از تاریخ به ویژه نبرد سرنوشت ساز دندانقان آمده است و در آن سرفصل های زیر دیده می شود: وصف تخت نو و بار دادن امیر، حرکت سپاهش به جانب سرخس، ورود ابراهیم ینال و طغرل به نیشابور، سخنان قاضی صاعد به طغرل، رفتن امیر مسعود به ترمذ و بازگشت به بلخ، جنگ امیر با سلجوقیان در طلخاب، مشاوره امیر با بونصر مشکان، صلح موقت با ترکمانان، ورود امیر مسعود به هرات، نامه به بوسهل حمدوی و با تالیجار، مرگ بونصر مشکان، حال بوالفضل پس از بونصر، حرکت مسعود از هرات به قصد ترکمانان، بر تخت نشستن طغرل، حمله سلجوقیان بر بلخ.

در مجلد دهم تاریخ بیهقی مطالب گوناگونی درج شده است، از جمله: تعریف ولایت خوارزم، حکایت خوارزمشاه ابوالعباس، مخالفت بزرگان لشکر با خطبه کردن به نام محمود، ذکر فساد الماحاد و تسلط اشرار، منازعه عبدالجبار و هارون، حمله شاه ملک به ترکمانان، بر تخت نشستن خوارزمشاه شاه ملک.

ارزشمندی تاریخ بیهقی

از دیگر آثار منسوب به او "مقامات بونصر مشکان" و "زینة الکتاب" است. وی در تاریخ مسعودی دو جا از کتابی به نام "مقامات" یا "مقامات محمودی" یاد می کند که شاید قسمت محمودی این کتاب باشد.

بیهقی دلیل نوشتن تاریخ را آیندگان می داند و بارها آن را بیان می کند. دو شرط عمده مؤرخ، صداقت و اطلاع است که بیهقی - شاید بیش از خوانندگان خود - متوجه اهمیت آن بوده است و بدین جهت در هر فرصتی خاطر خوانندگان را از راستگویی و حقیقت دوستی و نیز احاطه و اطلاع خود بر اخبار اطمینان می دهد. آنچه در کتاب بیهقی آمده یا از مشاهدات و مشهودات خود اوست یا اطلاعاتی که با کنجکاوای بسیار از اشخاص مطلع و مربوط، به دست می آورد و یا از کتابهایی که غالباً نام آنها را ذکر می کند و حتی راجع به ارزش آنها نظر خود را می گوید.

نثر بیهقی از نظر فصاحت و بلاغت نیز همواره بسیار مورد توجه بوده است. با آنکه به ذکر تاریخ می پردازد گاه از ایجاز های رسا بهره می گیرد که هرگز به اصل موضوع آسیبی نمی رساند. گاه نیز که به اطناب می پردازد نه در ذهن خواننده کسالت بار می نماید و نه از موضوع دور می شود.

خصوصیت های بیهقی

مهم ترین اثر بیهقی "تاریخ" مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب پارسی است در شرح سلطنت "آل سبکتکین" در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت "غزنوی" تا اوایل "سلطان ابراهیم بن مسعود" سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت "مسعود بن محمود غزنوی" و "تاریخ خوارزم" از زوال دولت "آل مأمون" و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت "آلتون تاش حاجب"، در آن سامان تا غلبه "سلاجقه"، موجود است. در باره سبک و شیوه نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته اند و از میان همه نوشته ها به قول روزگار ما بود اکتفا می کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب "ابن فندق" کتاب دیگری به نام "زینة الكتاب" در آداب کتاب بدو نسبت داده است.

پایان بخش دهم (۲)

ادامه دارد

